



تاریخ ادبیات درس هفدهم

نام کتاب: نغمه ی عشق، نام نویسنده: کلیک مورمان

معنی کلمات ما میتوانیم فارسی هفتم

بازنشستگی: پایان دورهی کار

/تسهیلات: جمع تسهیل، امکانات، اقداماتی برای آسان شدن کار

/فراهم آورم: تهیه کنم

/سخت: بسیار

/مشغول: سرگرم

/اوراق: جمع ورقه، برگهها

/اراده: خواست

/سماجت: پافشاری، اصرار کردن

/کنجکاو: جست و جو گر

/وادار: مجبور

/عاقبت: پایان

/کافی: بس

/بالاخره: سرانجام

/دفن: خاکسپاری

/گودال: چاله

/حداقل: دست کم، کمترین مقدار

/موقع: هنگام

/بلافاصله: فوری، تند، بدون اتلاف وقت

/اطاعت: پیروی

/متأسفانه: با اندوه

/انجمن: محل جلسه

/ادارات: جمع اداره، سازمانها

/اینک: حالا

/ابدی: همیشگی، جاودان

/قرین: همراه، نزدیک

/رحمت: بخشش (قرین رحمت: همراه با بخشش و مهربانی)

/عنایت: لطف، توجه

/آمین: دعا برای استجابت دعا

/شکوهمند: با عظمت، باشکوه

/نمادین:نمایشی

/نقش میبست:شکل میگرفت

/ترحیم:طلب آمرزش و مغفرت برای مُرده

/برگزار کردن:برپا کردن و ترتیب دادن

/اعلامیه:اطلاعیه کتبی و شفاهی

/فوت:مرگ

/تدفین:دفن کردن

معنی کلمات درس ۱۷ فارسی هفتم (کلمات ساده تر)

ملت:مردم

سروری:سربلندی، عزت

تقدیر:سرنوشت

جذاب ترین:زیباترین، دوست داشتنی ترین

مرتبه:دفعه، بار

جالب:در خور توجه، زیبا

آهنین:از جنس آهن

خشن(صدای خشن):ناخوشایند

خُر خُر:صدای ناصاف و آزاردهنده (نام آوا، صوت)

اصلاً:به هیچ وجه، هرگز

فهرست:لیست

خیره میشدند:با دقت نگاه میکردند

به موقع:در زمان مناسب، سر وقت

موریانه:با شیطنت

جلب:جذب

نچشید هام:مزه نکرده ام

متأسفانه:بدبختانه، با ناراحتی و افسوس

فرق داشت:تفاوت داشت

غلط:نادرست، ناصحیح

تحسین=تشویق:آفرین گفتن

خوشایند:دلنشین، دوست داشتنی

افکار :جمع فکر

ملاقات :دیدار با کسی

انبوه :تعداد فراوان

به سراغ او آمد :به دنبال او آمد.

سرشناس :مشهور، معروف

عصبانیت :خشم و ناراحتی

مطمئنم :اطمینان دارم، یقین دارم

نگران :مضطرب

نجوا :صحبت آرام

غرش :صدای بلند و ترسناک

مودبانه :همراه با ادب

مرتباً :دائم، همیشه

بد جنس :بد ذات، بد سرشت

گونه :چهره، صورت

زمزمه :کلام زیرلی

آرایه ها ما میتوانیم فارسی هفتم

همه با سرهای خم منتظر ماندند ⇐ کنایه از حلات عزاداری گرفتن

/دنیای خاکی ⇐ استعاره از زمین

/جایگاه ابدی ⇐ استعاره از قبر

معنی فارسی هفتم

درس هفدهم :: نیایش

معنای لغات نیایش فارسی هفتم

خداوندا: ای خدا

/به حق: سوگند به، قسم به

/نیکمردان: جوانمردان، بزرگواران

/احوال (جمع حال) وضعیت جسمی و روحی

/نیک: خوب، نیکو

/محروم: بیبهره، بینصیب

/بوم: سرزمین، در این شعر به معنی بارگاه خداوند

/زبانی ده: ده: بده

/اسرار (جمع سر) رازها

/روان: روح و جان

/جوید: طلب کند

/غفلت: فراموشی

/به معنی: به: با، به وسیله ی

/معنی: معنویت، غیر مادی

/برفروزان: روشن کن

/جای آن هست: روا است، به جا است

/اگر: اگر

/خوانم: بخوانم: صدا میزنم

معنی شعر نیایش فارسی هفتم

قالب شعر: مثنوی می باشد.

خواجوی کرمانی شاعر قرن هفتم و هشتم هجری قمری می باشد و از آثار او می توان به همای و همایون، گل و نوروز، روضهالانوار، کمال نامه و گوهرنامه اشاره کرد.

خداوندا، به حق نیک مردان / که احوال بدم را نیک گردان

✓معنی: خداوندا، به حق انسان های نیکوکار، حال بد من را نیز نیکو بگردان و وجودم را از بدی ها پاک کن.

✎آرایه ها و نکات زبانی: سه جمله / خداوند: منادا / حق نیک مردان: متمم / احوال بدم: مفعول / آرایه

تکرار: نیک / آرایه تضاد: نیک و بد

مکن ما را از این درگاه، محروم / چو گنجشکان، مران ما را ازین بوم

✓ **معنی:** خدایا ما را از درگاه بندگیت محروم نکن، ما را مانند گنجشکان از این سرزمین دور نکن

✧ **آرایه ها و نکات زبانی :** دو جمله / ما در هر دو مصرع: مفعول / این درگاه، این بوم: متمم / چو گنجشکان:

تشبیه

زبانی ده که اسرار تو گوید / روانی ده که دیدار تو جوید

✓ **معنی:** خداوند، به من زبانی بده که رازهای تو را بازگو کند و روح و جانی به من ببخش که وجود تو را درک کند و در طلب تو باشد.

✧ **آرایه ها و نکات زبانی :** زبانی: مفعول / اسرار تو: مفعول / روانی: مفعول / دیدار تو: مفعول / تو: ضمیر

گسسته

دلَم در آتش غفلت مسوزان / به معنی، شمع جانم بر فروزان

✓ **معنی:** خدایا بی خبری و ناآگاهی مانند آتش است، دل من را در این آتش نسوزان. (نگذار دچار غفلت شوم و تو را نشناسم). جان من را با نور حقیقت روشن کن.

✧ **آرایه ها و نکات زبانی :** دلَم: مفعول / آتش غفلت: متمم و اضافه ی تشبیهی / دل: مجاز از تمام وجود / شمع جان: مفعول و اضافه ی تشبیهی / معنی: متمم / دلَم: ضمیر پیوسته / تشبیه: غفلت مانند آتش است ؛ جان مانند شمع است / مراعات نظیر: آتش، مسوزان، شمع، بر فروزان

کنون، گر دست گیری، جای آن هست / که گر دستم نگیری، رفتم از دست

✓ **معنی:** اکنون به جاست که مرا کمک کنی؛ زیرا، اگر به من کمک نکنی، از بین میروم.

✧ **آرایه ها و نکات زبانی :** دست در مصرع اول: مفعول / دستم در مصرع دوم: مفعول / حرف «م» دستم: ضمیر پیوسته / دست در مصرع دوم: متمم / آرایه تکرار: دست / از دست رفتن: کنایه از نابود شدن / دستگیری: کنایه از اینکه یاری کنی / آرایه تضاد: بین دست گیری و دست نگیری

مکن دورم ز نزدیکان درگاه / به راه آور مرا، کافتادم از راه

✓ **معنی:** من را از کسانی قرار بده که به تو نزدیک هستند. (از خود و افراد صالح و نیکوکاری که به تو نزدیک هستند و تو را اطاعت می کنند، دورم نکن) من را هدایت کن زیرا که گمراه شده ام و راه راست را نمی شناسم.

✧ **آرایه ها و نکات زبانی :** دورم: ضمیر پیوسته و مفعول / نزدیکان درگاه: متمم / راه: متمم در مصراع دوم با حرف اضافه به و از / مرا: مفعول / آرایه تضاد: دور و نزدیک / آرایه تکرار: راه / به راه آوردن: کنایه از هدایت کردن به راه راست / از راه افتادن: کنایه از گم شدن و از راه دور ماندن

تو را خوانم به هر رازی که خوانم / تو را دانم به هر چیزی که دانم

✓ **معنی:** من در هر راز و نیازم فقط تو را ستایش می کنم، و در بین همه چیزها، تنها تو را به عنوان خدای

بزرگ می شناسم.

✧ **آرایه ها و نکات زبانی :** تو در مصرع اول و دوم: مفعول / هر رازی: متمم / هر چیزی: متمم / آرایه تکرار: خوانم / آرایه تکرار: دانم

در قسمت زیر معنی ها به صورت خلاصه نوشته شده است تا دسترسی به آن راحت تر باشد !



بیت اول : خدایا، تو را به انسانهای جوانمرد و بزرگوار قسم میدهم که وجودم را از بدیها پاک بگردان.

بیت دوم : ما را از درگاه خودت بینصیب نکن و مانند گنجشکان ما را از بارگاهت دور مکن.

بیت سوم : زبانی به من بده که رازهای تو را بازگو کند و روح و جانی بده که رسیدن به تو را طلب کند.

بیت چهارم: تمام وجودم را از غفلت و نادانی رها کن و با نور معنویت خودت، روح و جانم را روشن کن.

بیت پنجم: اکنون به جاست که مرا (کمک کنی؛ زیرا، اگر به من کمک نکنی، از بین میروم).

بیت ششم: مرا از نزدیکان و دوستان درگاهت دور نکن. هدایت کن که از راه رسیدن به تو، دور شده‌ام.

بیت هفتم: من در هر راز و سخنی فقط تو را صدا میزنم و در بین همهی چیزها تنها تو را به عنوان خدای بلند مرتبه میشناسم.

آرایه های نیایش فارسی هفتم

بد و نیک ⇐ تضاد

/بیت دوم: چو گنجشکان ⇐ تشبیه

/بیت چهارم: دل ⇐ مجاز از تمام وجود

/آتش غفلت ⇐ اضافهی تشبیهی

/شمع جان ⇐ اضافهی تشبیهی

/بیت پنجم: دستگیری ⇐ کنایه از کمک کردن

/از دست رفتن ⇐ کنایه از نابود شدن

/بیت ششم: دور و نزدیک ⇐ تضاد

/به راه آوردن ⇐ کنایه از هدایت کردن به راه راست

/از راه افتادن ⇐ کنایه از گم شدن و از راه دور ماندن

نکات دستوری نیایش فارسی هفتم

خداوند ⇐ منادا و «ا» ⇐ منادا

/این درگاه ⇐ متمم

/گنجشکان ⇐ متمم (چو به معنی مانند: حرف اضافه)

«م» در «دل» ⇐ مضاف الیه

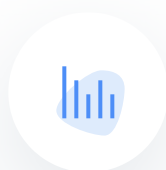
/دل (دل) ⇐ مفعول

/شمع ⇐ مفعول



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد